

بررسی ارتباط توانمندی های شخصیتی و بنیان های اخلاقی جوانان بزهکار

فرشته کریمی زاده^۱، عبدالله شفیع آبادی^۲، کیومرث فرحبخش^۳

۱- دانشجوی دکتری مشاوره، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران. fereshtehkarimizade@yahoo.com

۲- استادا، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران

۳- استادیار (دکتری مشاوره)، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران. kiiumars@yhoo.com

چکیده

هدف اصلی این پژوهش حاضر بررسی ارتباط ارزش های فعال در عمل با بنیان های اخلاقی جوانان بزهکار می باشد. در این پژوهش مقطعی که از نوع پژوهش های همبستگی بود. جامعه آماری شامل کلیه بزهکاران مرد شهر تهران بود که با استفاده از شیوه نمونه گیری غیر احتمالی در دسترس انتخاب شدند. داده ها با استفاده از پرسشنامه ارزش های فعال در عمل (VIA-IS) و پرسشنامه بنیان اخلاقی (MFQ30) جمع آوری و با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون گام به گام تحلیل شدند. نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام نیز حاکی از آن بود که سه فضیلت تعالی، عدالت و میانه روی هر سه نقش معنی دار در پیش گویی مراقبت/آسیب دارند، اما فضیلت تعالی بیشترین نقش و فضیلت میانه روی کمترین نقش را در پیش گویی این بعد از بنیان های اخلاقی داشتند. همچنین یافته ها نشان داد که فضیلت میانه روی و فضیلت خرد پیش گویی کننده های برای انصاف/عدالت هستند. فضیلت تعالی نقش مثبت و معنی دار در بعد وفاداری و فضیلت خرد نقش مثبت و معنی دار با بعد بعد احترام به مرجعیت دارد. با توجه به یافته های پژوهش حاضر به طور کلی پیشنهاد می شود مباحث توانمندی شخصیتی و عوامل مؤثر بر رشد آن ها در جوانان توجه لازم صورت گیرد. همچنین زمینه باورمندی نسبت به قوانین جامعه به واسطه رشد صحیح قضاوت های اخلاقی در قشر جوانان و اجرای مبانی آموزشی در سیستم آموزشی براساس ارزش دهی به فضیلت ها فردی صورت گیرد.

واژه های کلیدی: فضیلت، توانمندی های شخصیتی، بنیان های اخلاقی، بزهکاری

۱- مقدمه

بزه، اولین پدیده ای که با تجمع افراد به دور یکدیگر و شکل گرفتن جامعه، تظاهر می کند، زیرا گرد هم آمدن افراد موجب سرپیچی از برخوردهای گوناگونی بین آنها شده و به همین دلیل دستورات و مقرراتی پدید می آید تا قدری آزادی افراد را به سود جامعه مقید گرداند و حدود هر یک از افراد جامعه را مشخص شود. بررسی های جرم شناسی نشان می دهد که هر معلولی، علتی دارد و هیچ چیز به خودی خود به وجود نمی آید بنابراین هر جرمی هم دارای علل سازنده ای است که بر روی فرد اثر می گذارد و او را بسوی ناسازگاری و نابهنجاری سوق می دهد (طوبی، ۱۳۸۶).

جایگاه و اهمیت اخلاق و سبک زندگی در مسائل و زندگی اجتماعی تا بدان جاست که حتی عمل کردن به قوانین و مقررات اجتماعی نیز بدون پشتوانه اخلاق ممکن نیست و اخلاق بهترین ضامن اجرای قوانین و مقررات است. از این رو مباحث اخلاقی از مهمترین هدف های ارسال پیامبران به شمار می رود و در این جا به اهمیت موضوع اخلاق در رفتارهای بزهکارانه اشاره کرد. بزهکاری افراد و علل رفتار بزهکارانه را بر حسب نقص شخصیت مجرم و مبحث رفتار بزهکارانه را بیش از آنکه به ژن های غیرعادی نسبت دهیم به تجربه های نابهنجار دوران کودکی و نوجوانی که معلول روابط ناسالم بین فرد و محیط اجتماعی است مرتبط دانست (حیدری و باقری، ۱۳۹۳). نقش اخلاق در عملکردها و رفتارها، در تصمیم گیری ها و انتخاب ها و در برخوردها و ارتباطات مهم و تعیین کننده است (الوانی و رحمتی، ۱۳۸۶)؛ زیرا اخلاق یا احکام اخلاقی سنخی از هنجارها به شمار می آیند که تنظیم رابطه فرد با دیگران را در دستور کار خویش قرار می دهند؛ به گونه ای که این نظم و سنخ بخشی براساس حقانیت یا ناحقی، خوبی یا بدی احتمالی رفتارها ایجاد می شوند. بدیهی است ارزش ها اخلاقی و رهنمودهای حاصل از آن، کدهای رفتاری و شناختی را در فرد موجب گردیده و به وی در تصمیم گیری میان خوب و بد کمک کنند و او را از ارتکاب جرم منصرف گردانند (منفرد و جلالی فراهانی، ۱۳۹۱). طی چند دهه گذشته پذیرفته شده که وجدان اخلاقی بزهکار بالقوه در برابر هنجار شکنی، در مقایسه با هرگونه سازوکار کنترلی دیگر می تواند بازدارندگی مؤثری داشته باشد (ویلیامز، به نقل از جلالی فراهانی و منفرد، ۱۳۹۱). صلاحیت های اخلاقی به ویژه در نوجوانان را می توان برحسب توانمندی های شخصی تبیین کرد (پیترسون و پارک^۱، ۲۰۰۶). توانمندی های شخصی یکی از ابتکارات تازه علمی روان شناسی مثبت است. در سال های اخیر بحث اخلاق و مبانی اخلاق در روان شناسی با ظهور روان شناسی مثبت نمود بیشتری یافته است (هادت^۲، ۲۰۰۳). این مبحث در روان شناسی مثبت با ارزیابی موشکافانه و دقیق با مبحث توانمندی های شخصیتی پیگیری شده است. سلیگمن و همکارش یعنی کریستوفر پترسون در کتابی به نام کمالات منشی و فضائل، با بررسی کل طبقه بندی های روان شناسان از انسان سالم در صد سال اخیر و نیز با مراجعه به هفت سنت معنوی بزرگ در جهان به این نتیجه می رسیم که در کل همه این طبقه بندی ها (اگر از اختلافات صوری صرف نظر کنیم) نهایتاً به اشتراکات عظیمی می رسیم. آن ها به شش هسته فضیلت در این سنت ها دست پیدا می کنند: خرد و دانش، شجاعت، انسانیت، شامل عشق و مهربانی و هوش اجتماعی، عدالت، اعتدال شامل بخشش و تواضع و دوراندیشی و مهار خودتعالی یا کمال جویی یا از خود فراتر رفتن (اسنایدر^۳، ۲۰۱۲). توانمندی های شخصی به عنوان اجزاء روان شناختی یا فرآیندهایی که با رشد و ارتقاء فضیلت ها مرتبط است. توانمندی های شخصی اغلب با معنا دهی ریشه ای به شادی با مذهب، سپاس و قدردانی، امیدواری، تمایل/رغبت و کنجکاوای مرتبط است. تمایلات، کنجکاوای، امیدواری، ثبات قدم و دیدگاه ها، اغلب درگیری ریشه ای با شادی دارد و آنهایی که اغلب در مسیر لذت بخش شادی قرار دارند، اغلب با شوخ طبعی، رغبت، امید، هوش اجتماعی و عشق همراه است (پیترسون^۴ و همکاران، ۲۰۰۷).

1 Park & Peterson

2 Haidt

3 Snyder

4 Peterson

توانمندی های شخصیتی افراد را قادر می سازند تا عملکرد بهتری داشته باشند و زندگی رضایتمند و خوبی داشته باشند (پیترسون سلیگمن، ۲۰۰۴). در یک پژوهش پیش‌تازانه، مؤسسه گالوپ^۵ با پژوهش های گسترده در طول چهل سال فهرستی از توانمندی های روان شناختی انسان را ارائه کرد. این توانمندی ها نخست تحت عنوان «توانمندی یاب کیفیتون» و بعدا با عنوان «توانمندی یاب ۲» منتشر شد (بوکینگهام و کلیفتون^۶، ۲۰۰۱؛ راث^۷، ۲۰۰۷). پیترسون و سلیگمن نیز در سال ۲۰۰۳ در ارتباط با موضوع تفاوت های فردی سلسله مراتبی از توانمندی های شخصیتی مثبت روان شناختی را بوجود آوردن که شامل ۶ فضیلت^۸ و ۲۴ توانمندی شخصیتی^۹ معین می باشد. همچنین آنها یک مقیاس جامع که همه توانمندی ها را مورد سنجش قرار می دهد تدوین نمودند.

دیدگاه های مذکور این سؤال را به ذهن متبادر می سازند که آیا در رفتارها فردی اجتماعی مبتنی بر هنجارهای فضیلت مندانه می توانند به بنیان های اخلاقی رشدیافته تر منجر شود؟ به بیان دیگر آیا می توان انتظار داشت که توانمندی های (نقاط قوت) شخصیتی به رشد ابعاد اساسی و بنیادی اخلاق در بین جوانان بزهکار خواهد شد؟

مبانی نظری

سلیگمن (۲۰۰۲) بین دو طبقه از هیجان های مثبت تمیز قایل می شود: لذت های آنی و کامروایی پایدار. در حالی که لذت از تجارب حسی ناشی می شود، کامروایی حالت هایی از جذب و شیفتگی را در بر می گیرد که از اشتغال به فعالیت هایی که مستلزم استفاده از نیروهای تأییدی است ناشی می شود. نیرومندی های تأییدی صفات شخصی هستند که از آنها نمره های به ویژه بالایی به دست می آید، با فضیلت^{۱۰} های خاصی همبسته اند، و در ارزش های طبقه بندی عمل نیرومندی ها^{۱۱} (پیترسون و سلیگمن، ۲۰۰۱) تعریف شده اند. ارزش های طبقه بندی عمل نیرومندی های نظامی است که در آن بین فضیلت ها، نیروها، و موضوع های توانمندساز وجه تمایز وجود دارد. فضیلت ها خصایص اصلی به شمار می روند که از نظر فیلسوفان اخلاقی ارزشمند شمرده می شوند، مانند خرد یا شجاعت، و نیروها آن دسته از صفات شخصیتی را تشکیل می دهند که کمتر انتزاعی هستند و می توان آنها را برای رسیدن به فضیلت ها به کار بست.

شش فضیلتی که در ارزش های نظام طبقه بندی عمل مطرح شده اند عبارتند از خرد، شجاعت (جرات)^{۱۲}، انسانیت^{۱۳}، عدالت، میانه روی^{۱۴}، و تعالی^{۱۵} (پیترسون و سلیگمن، ۲۰۰۱). فضایل مذکور به این دلیل انتخاب شده اند که در نوشته های فلاسفه اخلاقی مانند سقراط، افلاطون، ارسطو، آگوستن^{۱۶}، آکیناس^{۱۷} و دیگران اغلب مشاهده می شوند. خرد به نیروهایی اطلاق می شود که کسب و کاربرد دانش را در بر می گیرد. اراده تحقق هدف ها برغم موانع بیرونی یا درونی، ویژگی عمده جرات یا شجاعت است. نیروهای منش وابسته به فضیلت انسانیت شامل تعامل اجتماعی مثبت با دوستان و خویشاوندان است. نیروهای عدالت در تعامل های مثبت با جماعت گسترده تر جلوه گر می شود. میانه روی به نیروهایی اطلاق می شود که ما را در برابر افراط در ارضای همه نیازهای مان حفاظت می کند. نیروهایی که ما را در جهانی بزرگ تر پیوند می دهند، فضیلت تعالی را تشکیل می دهند. این شش طبقه وسیع فضیلت ها که بارها به طور همسان از پیمایش های تاریخی ظاهر می شوند، به طور

5 Gallup organization

6 Buckingham & Cliflon

7 Rath

8 Virtue

9 Character Strengths

10 Virues

11 Valued in Action Classification of Strengths

12 Courage

13 Humanity

14 temperance

15 transcendence

16 Aguston

17 Aquinas

قطع در همه جا حضور دارند و احتمالا جهان شمولند. آنها ممکن است از نظر زیست‌شناسی محصول فرایند تکامل باشند که لازمه بقای انواع است. کسی که به عنوان فردی دارای منش خوب تلقی می‌شود، احتمالا باید همه این فضیلت را در آستانه بالای نظام ارزش‌ها دارا باشد (کار^{۱۸}، ۲۰۰۴).

اراده تحقق هدف‌ها برغم موانع بیرونی یا درونی، ویژگی عمده جرات یا شجاعت است. نیروهای منش وابسته به فضیلت انسانیت شامل تعامل اجتماعی مثبت با دوستان و خویشاوندان است. نیروهای عدالت در تعامل‌های مثبت با جماعت گسترده جلوه‌گر می‌شود. میانه‌روی به نیروهایی اطلاق می‌شود که ما را در برابر افراط در ارضای همه نیازهای مان حفاظت می‌کند. نیروهایی که ما را به جهانی بزرگ‌تر پیوند می‌دهند، فضیلت تعالی را تشکیل می‌دهند. این شش طبقه وسیع فضیلت‌ها که بارها به طور همسان از پیمایش‌های تاریخی ظاهر می‌شوند، به طور قطع در همه جا حضور دارند و احتمالا جهان شمولند. آنها ممکن است از نظر زیست‌شناسی محصول فرایند تکامل باشند که لازمه بقای انواع است. کسی که به عنوان فردی دارای منش خوب تلقی می‌شود، احتمالا باید همه این شش فضیلت را در آستانه بالای نظام ارزش‌ها دارا باشد.

نیروهای منش^{۱۹} راه‌های رسیدن به فضیلت است (پیترسون و سلیگمن، ۲۰۰۱). نیروهای منش که به عنوان راه‌هایی برای رسیدن به فضیلت‌ها عمل می‌کنند، به عنوان مثال، کنجکاوی یک نیرومندی است که با فضیلت خرد همبسته است. برای اینکه یک خصیصه مثبت به عنوان نیروی منش در ارزش‌های طبقه بندی عمل‌جای گیرد باید بیشتر ملاک‌های زیر را دارا باشد:

صفت - مانند باشد؛ یکی از ویژگی‌های زندگی خوب را تحقق بخشد؛ دارای ارزش اخلاقی باشد؛ سبب تحقیر دیگران نشود؛ مورد تأیید عرف و نهادهای اجتماعی باشد؛ به صورت الگوهای اجتماعی که ارزش بالا دارند ظاهر شود؛ نمونه از کارهای تحسین‌آمیز عقلانی باشد. یکی از ملاک‌ها این بود که متضاد نیروی منش نباید به شیوه مثبت قابل بیان باشد؛ برای مثال: متضاد انعطاف‌پذیر سخت و تغییرناپذیر است، بنابراین، نمی‌تواند به عنوان نیروی منش محسوب شود. قریحه استعداد (مانند هوش) و خصایصی که در همه فرهنگ‌ها با ارزش تلقی نمی‌شوند (مانند پاکیزگی، بخشندگی، صرفه‌جویی) از این نظام طبقه بندی کنار گذاشته شده است.

نیروهای موجود در همه گروه‌های فضیلت با یکدیگر شباهت دارند، زیرا همگی بخش مهم فضیلت به شمار می‌روند، و در عین حال از آن متمایزند. برای اینکه شخص دارای منش خوب باشد احتمالا باید یک یا دو نیروی مرتبط با گروه فضیلت‌ها را در رفتار خود نشان دهد.

فضیلت خرد که مستلزم کسب و کاربرد دانش است، با نیروهای کنجکاوی، عشق به یادگیری، خلاقیت، قضاوت درست، هوش هیجانی، و استعداد دیدن «تصویر بزرگ» و چشم انداز وسیع نسبت به زندگی تحقق می‌یابد. فضیلت شجاعت مستلزم اراده برای رسیدن به هدف‌ها برغم موانع درونی و بیرونی است و با استفاده از نیروهای بی‌باکی، پشت‌کار، و یکپارچگی تحقق می‌پذیرد. فضیلت انسانیت شامل شایستگی بالای بین فردی است و از طریق نیروهای مهربانی و استعداد عشق ورزیدن و دوست داشته شدن تحقق می‌پذیرد. فضیلت عدالت شامل استعداد برقراری پیوند در جامعه بزرگتر است و از طریق نیروهای کارگروهی، انصاف و رهبری محقق می‌شود. فضیلت میانه‌روی یا اعتدال مستلزم گرایش به حد وسط در ابراز تمایلات است و با خویشتن‌داری، و احتیاط تحقق می‌پذیرد. فضیلت تعالی ما را به جهان وسیع‌تر متصل می‌کند و از طریق نیروهای قدردانی از عظمت و زیبایی، سپاسگذاری، خوش‌بینی، بخشندگی، سرزندگی، شوخ‌طبعی و اشتیاق حاصل می‌شود.

بنیان‌های اخلاقی

روان‌شناسان اجتماعی، دانشمندان علوم اعصاب و علوم رفتاری شروع به درمان قضاوت اخلاقی و تصمیم‌گیری به عنوان یک موضوع اصلی تحقیق کرده‌اند. با این وجود امروزه، هنوز هم پژوهش در این زمینه تا حد زیادی محدود به مسائل مربوط به آسیب و انصاف (از جمله حقوق) است. کلبرگ قطعاً متوجه شده که مردم گاهی اوقات قضاوت‌های اخلاقی‌شان را براساس

توجهات در سطح گروه و نگرانی های اخلاقی مانند قدرت، وفاداری و سنت انجام می دهند اما او فکر می کرد که چنین تفکری نارس و مرسوم بود و بخشی از "قانون و نظم" اخلاق در مرحله چهارم تحول اخلاقی است. تحقیقات نشان داده اند که ملاحظات اخلاقی فراتر از نگرانی های منحصر به فرد مبتنی بر آسیب و عدالت است و به نگرانی در مورد خلوص معنوی و تخریب (حتی برای اعمالی که شامل هیچ آسیب به دیگران نمی شود) و نگرانی هایی در مورد تحقق نقش سلسله مراتبی و انتظارات اخلاقی وفاداری به گروه های محلی و یا ملی نیز است. همچنین، منابع دیگری موضوعات اخلاقی را فراتر از عدالت، حقوق و رفاه و ارزش های اخلاقی که فردی نیستند می دانند (به عنوان مثال "اخلاق یک سیستمی دارد که نهادهای اجتماعی خانواده، جامعه و کشور محافظت می کند"). همچنین موضوعات اخلاقی براساس مفاهیمی از قبیل وظیفه، اطلاعات، احترام، حفظ سنت و خداگرایی و یا هنجارهای دینی نجابت، روح و حفظ خلوص ذهنی ساخته شده است. بنابراین دامنه اخلاقی گسترده تر از مسائل مربوط به آسیب و انصاف که در حاضر حاضر در مقیاس روان شناسی اخلاقی نشان داده می شود، است.

اگر اخلاق واقعا در فرهنگ ها، طبقات، سیاست و دوره های مختلف متفاوت است، پس روان شناسان نیاز به یک تعریف از حوزه اخلاقی دارند که براساس محتوای یک محدوده خاص (به عنوان مثال، عدالت، حقوق و رفاه) نباشد. برای برآورده کردن این نیاز، یک رویکرد جایگزین پیشنهاد شد که سیستم های اخلاقی را با عملکرد آن ها توضیح دهد؛ سیستم های اخلاقی که مجموعه به هم پیوسته از ارزش ها، فضائل، هنجارها، شیوه ها، هویت ها، نهادها، فن آوری ها و تکامل مکانیسم های روانی است که با یکدیگر تعامل می کنند و خودخواهی های انسان را تنظیم و یا سرکوب و زندگی اجتماعی و زندگی اجتماعی را امکان پذیر می سازند.

بنابراین نیاز به یک تئوری منظم درباره اخلاق، توضیح خاستگاه ها و تحول تنوع های فرهنگی مؤثر بر آن منجر به ایجاد تئوری بنیان های اخلاقی گردید. هایت و جوزف (۲۰۰۴) شروع به تحقیق در ادبیات تحولی روان شناسی، انسان شناسی، ریاضیات و حوزه ها و قواعد اخلاقی که عموماً (نه لزوماً جهانی) بودند که بین فرهنگ ها پرداختند و برای پیدا کردن بهترین ابعاد برای بنیان های اخلاقی، بسیاری از فرهنگ ها و دوره ها را همراه با طبقه بندی اخلاق از انسان شناسی، روان شناسی و نظریه تکامل در مورد انسان و پستانداران از نظر سوسیالیزم را مورد مطالعه قرار دادند. هایت و گراهام (۲۰۰۷) تئوری بنیان های اخلاقی (MFT) را توسعه داده و پس از تغییر و اصلاح های لازم در نهایت ۵ ابعاد زیر به دست آمدند: ۱) بعد مراقبت و آسیب ۲۰، ۲) بعد انصاف ۲۱ (بی طرفی/مقابله به مثل ۲۲)، ۳) بعد وفاداری به گروه ۲۳، ۴) بعد احترام به مرجعیت ۲۴، ۵) بعد اخلاص ۲۵ و تقدس ۲۵.

تئوری بنیان های اخلاقی اجازه می دهد تا پایگاه های حسی یا عاطفی مبتنی بر قضاوت اخلاقی و همچنین فرآیندهای عمدی استدلال مورد توجه قرار گیرد. تئوری مبانی اخلاقی مفهومی برای اندازه گیری توصیف تفاوت در نگرانی های اخلاقی میان افراد، گروه های اجتماعی و فرهنگ های مختلف فراهم می کند و براساس انتخاب نزدیک ترین ارتباط بین ویژگی های تکاملی از جامعه انسانی و ویژگی های انسان شناسی از وسعت تنوع حوزه اخلاقی ایجاد گردیده است.

روش پژوهش

روش تحقیق این پژوهش، توصیفی-همبستگی است. این پژوهش همچنین از نوع مقطعی است و با تکنیک پرسشنامه خود اجرا انجام شده است. واحد تحلیل در این تحقیق، فرد (بزهکار) می باشد و سطح تحلیل خرد است. پرسشنامه ها توسط پرسشگر روی آنها اجرا گردید. ابزار پژوهش شامل پرسشنامه بنیان های اخلاقی (MFQ30) و پرسشنامه ارزش های فعال در

20 Care & Harm

21 Fairness

22 Reciprocity

23 In- Group Loyalty

24 Authority Respect

25 Purity & Sanctity

عمل (VIA-IS) بود. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع آوری شده، با استفاده از نرم افزار SPSS از آزمون های ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون گام به گام استفاده شده است.

ابزار جمع آوری اطلاعات

پرسشنامه ارزش های فعال در عمل (VIA-IS)

آزمون ارزش های فعال در عمل در سال ۲۰۰۴ توسط پترسون و سلیگمن به منظور سنجش توانمندی های (نقاط قوت) شخصیتی افراد ساخته شد. این آزمون شش فضیلت جهانی: خرد، انسانیت، شجاعت، عدالت، میانه روی و تعالی که در همه ادیان و مذاهب به آنها اشاره شده و ۲۴ توانمندی شخصیتی یعنی: کنجکاوی، علاقه به یادگیری، روشن فکری، خلاقیت، هوش اجتماعی، روشن بینی، شهامت، پشتکار، تمامیت، مهربانی، عشق، شهروندی، بی طرفی، رهبری، خودتنظیمی، احتیاط، تحسین، زیبایی، قدردانی، امید، معنویت، فروتنی، شوخ طبعی، زنده دلی و بخشش را مورد ارزیابی قرار می دهد. هر کدام از شش فضیلت از مجموعه ای از این توانمندی های رفتاری تشکیل یافته اند.

این آزمون یک ابزار خودگزارشی و دارای ۲۴۰ عبارت است. یعنی هر توانمندی با ۱۰ عبارت مورد سنجش قرار می گیرد. لازم به ذکر است که فضیلت اعتدال و میانه روی ۴ توانمندی بخشش، تواضع و فروتنی، آینده نگری و خود نظم دهی را شامل می ود که سلیگمن و پترسون این چهار توانمندی را توانمندی های رفتاری نام گذاری کرده اند. آزمودنی باید در یک مقیاس لیکرت ۵ درجه ای میزان موافقت یا مخالفت خود به هر یک از عبارات را بیان کند. شیوه نمره گذاری گزینه ها در این مقیاس بدین شرح است: کاملاً بر عکس من = ۱، برعکس من = ۲، خنثی = ۳، شبیه من = ۴، کاملاً شبیه من = ۵.

به منظور هنجاریابی پرسشنامه ارزش های فعال در عمل، این آزمون بر روی نمونه ای متشکل از ۱۵۰۰۰۰ فرد بزرگسال آمریکایی که به صورت اینترنتی به این آزمون پاسخ داده اند، اجرا شده است. ۶۶٪ پاسخ دهندگان زن و ۳۴٪ مرد بوده اند. میانگین سنی آزمودنی ها ۳۵ سال و اکثر آنها متأهل و شاغل بودند. ضریب آلفای کرونباخ همه زیر مقیاس ها بالاتر از ۰.۷۰ بوده است. همچنین ضریب پایایی حاصل از روش بازآزمایی در یک فاصله زمانی چهارماهه نیز بالاتر از ۰.۷۰ گزارش شده است. پرسشنامه ارزش های فعال با استفاده از ابزار توانمندی یاب مؤسسه گالوپ و ول اسپرینگ تهیه شده است. عبارات مقیاس توسط متخصصین حیطه روان شناسی مثبت گرا پیشنهاد شده اند. در سه مطالعه بر روی نمونه های بزرگ زیر مقیاس ها با جنبه های مثبت کار، عشق و بازی همبستگی متوسطی داشته اند. به غیر از دو توانمندی خرد و دانش، بقیه توانمندی ها با رضایت از زندگی همبستگی نیرومندی نشان داده اند.

نامداری و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهش خود از آزمون ارزش های فعال در عمل استفاده کرده و آن را بر روی ۴۰ نفر بزرگسال افسرده اجرا کردند. ضریب آلفای کرونباخ برای همه زیر مقیاس ها بالاتر از ۰.۷۰ بود. جهت بررسی روایی آزمون ارزش های فعال در عمل از ۵ نفر از صاحب نظران روان شناسی (اعضاء هیئت علمی) نظر خواهی شد و مشخص شد که محتوای سئوالات پرسشنامه با تعاریف نظری مقیاس های آزمون مطابقت دارد بنابراین، روایی صوری و محتوایی آزمون تأیید قرار گرفت. ضمناً روایی همزمان این آزمون با عوامل پنجگانه آزمون شخصیت نئو (NEO-FFI) یعنی روان نژندی، باز بودن نسبت به تجربه، توافق پذیری و وجدان کاری به ترتیب ۰/۳۹، ۰/۳۰، ۰/۳۸، ۰/۳۷ و ۰/۴۰ بوده که در سطح $P < 0.01$ معنی دار بوده است (قربانی، ۱۳۹۱).

پرسشنامه بنیان های اخلاقی (MFQ30)^{۲۶}

هایت و گراهام برای اندازه گیری نگرانی های اخلاقی و نظر مردم در مورد اخلاق، به ایجاد تئوری بنیان های اخلاقی (MFI) و پرسشنامه مبانی اخلاق (MFQ) پرداختند که به اندازه گیری پنج بعد اخلاقی: می پردازد و استفاده از این پنج بنیاد اخلاقی فراهم آوردن فرصتی برای درک بهتر تنوع اخلاقی است. این مقیاس شامل ۳۰ عبارت است که به منظور ارزیابی و سنجش ابعاد پنج گانه اخلاق که به عقیده هایت و گراهام این پنج بعد، ابعاد اساسی و بنیادی اخلاق در بین فرهنگ ها و هویت های مختلف قومی، نژادی و زبانی هستند، می پردازد.

این مقیاس از دو بخش تشکیل شده است که عبارات بخش اول از عبارات ۱ تا ۱۶ بصورت یک مقیاس ۶ درجه ای از اصلا مهم نیست (۰)، خیلی مهم نیست (۱)، کمی مهم است (۲)، مقداری مهم است (۳)، خیلی مهم است (۴)، تا بشدت مهم است (۵) نمره گذاری می شود. بخش دوم از عبارات ۱۷ تا ۳۲ به صورت مقیاس ۶ درجه ای به شدت مخالفم (۰)، به مقدار متوسط مخالفم (۱)، کمی مخالفم (۲)، کمی موافقم (۳)، نسبتا موافقم (۴)، به شدت موافقم (۵) پاسخ داده می شود.

در تحقیق هایت و گراهام شرکت کنندگان ۳۴۴۷۶ بزرگسال بودند که میانگین و انحراف استاندارد و آلفای کرونباخ برای هر بعد محاسبه شد که در بعد مراقبت و آسیب ۰/۶۹، انصاف و بی طرفی ۰/۶۵، وفاداری به گروه ۰/۷۱، احترام به مرجعیت ۰/۷۴، اخلاص و پاکی ۰/۸۴ است. همان طور که ضرایب آلفای کرونباخ نشان می دهد MFQ30 در ۵ بعد دارای همسانی درونی مناسبی است. برای تعیین پایایی پرسشنامه MFQ30 به روش بازآزمایی، پرسشنامه بنیان های اخلاقی به ۱۲۳ دانشجو در دانشگاه جنوبی با میانگین سنی ۲۰/۱ که ۰/۶۹/۹ آن زن بودند داده شد. بعد از ۳۷/۴ روز (با دامنه ۲۸ تا ۴۳ روز) شرکت کنندگان برای دومین بار پرسشنامه را پر کردند. همبستگی پیرسون برای هر بعد عبارت از: ۰/۷۱ برای بعد مراقبت/آسیب، ۰/۶۸ برای بعد انصاف، ۰/۶۹ برای بعد وفاداری به گروه، ۰/۷۱ برای بعد احترام به مرجعیت، ۰/۸۲ برای بعد اخلاص است. ضریب پایایی کلی این مقیاس در پژوهش قوزلو (۱۳۹۱) که ۱۲۵ زوج (۲۵۰ نفر) با میانگین سنی در زنان حدود ۳۴ سال و در مردان نیز حدود ۳۷ سال حضور داشتند با استفاده از آلفای کرونباخ حدود ۰/۷۹ و همچنین خرده مقیاس های مراقبت/آسیب ۰/۵۸، انصاف (عدالت) ۰/۷۹، وفاداری به گروه ۰/۶۱، احترام به مرجعیت ۰/۷۰ و خلوص ۰/۷۳ به دست آمد. که نشان دهنده همسانی درونی مناسب این پرسشنامه است. همچنین برای تعیین اعتبار همگرا، پرسشنامه بنیان های اخلاقی و پرسشنامه ارزش های شخصی شوارتز (SVS) به طور همزمان بوسیله نمونه مورد پژوهش پاسخ داده شد. نتایج ضریب همبستگی پیرسون نشان داد که بین اخلاق و ارزش های شخصی به طور کلی ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد (سیفی و همکاران، ۱۳۹۱).

یافته های پژوهش

میانگین سن شرکت کنندگان ۲۴ سال و انحراف معیار ۲/۹۴ بود. کمترین سن آزمودنی ها ۱۸ سال و بیشترین سن نیز ۳۸ سال است. ۲۹ نفر (۱۴/۴ درصد) ابتدایی، ۸۳ نفر (۴۱/۳ درصد) سیکل، ۷۱ نفر (۳۵/۳ درصد) دیپلم، ۱۴ نفر (۷ درصد) فوق دیپلم و ۴ نفر (۲ درصد) مدرک لیسانس داشتند. همچنین ۱۲۴ نفر (۶۱/۷ درصد) مجرد و ۷۶ نفر (۳۸/۳ درصد) متأهل بودند. جهت بررسی ارتباط توانمندی های شخصیتی و بنیان های اخلاقی همبستگی پیرسون استفاده گردید. نتایج در جدول ۱ آورده شده است.

جدول ۱: شاخص های توصیفی و ضرایب همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیرها	M	SD	(۱)	(۲)	(۳)	(۴)	(۵)	(۶)	(۷)	(۸)	(۹)	(۱۰)	(۱۱)
(۱) فضیلت خرد	۸۹/۰۴	۲۲/۹۶	۱										
(۲) فضیلت شجاعت	۶۹/۲۳	۱۷/۰۱	-۰/۶۵۸**	۱									
(۳) فضیلت تسلیت	۵۰/۶۱	۱۲/۵۹	-۰/۶۲۷**	-۰/۶۲۳**	۱								
(۴) فضیلت عدالت	۵۴/۲۳	۱۲/۶۳	-۰/۷۶۹**	-۰/۸۱۰**	-۰/۷۲۷**	۱							
(۵) فضیلت مبادت روی	۷۴/۶۲	۱۷/۷۱	-۰/۷۷۴**	-۰/۸۴۴**	-۰/۶۵۳**	-۰/۶۸۴**	۱						
(۶) فضیلت تعالی	۸۶/۵۷	۲۲/۸۸	-۰/۸۹۸**	-۰/۹۰۴**	-۰/۸۶۱**	-۰/۶۰۲**	-۰/۸۴۸**	۱					
(۷) مراقبت آسیب	۲۰/۴۹	۵/۳۷	-۰/۷۸۲*	۰/۲۲۷**	-۰/۱۰۳	-۰/۰۴۶	-۰/۱۷۶*	-۰/۲۴۷**	۱				
(۸) انصاف/عدالت	۲۷/۵۷	۵/۱۶	-۰/۱۷۹*	-۰/۰۲۵	-۰/۰۸۴	-۰/۱۹۶*	-۰/۱۶۴	-۰/۷۶۰**	-۰/۷۶۰**	۱			
(۹) وفاداری	۲۷/۲۵	۵/۴۲	-۰/۰۵۷	-۰/۱۱۵	-۰/۰۲۴	-۰/۰۰۸	-۰/۱۴۲	-۰/۱۱۷	-۰/۶۳۶**	-۰/۷۰۶**	۱		
(۱۰) احترام به مرجعیت	۲۷/۲۸	۵/۳۲	-۰/۱۹۳*	-۰/۱۹۳*	-۰/۱۰۲	-۰/۰۹۵	-۰/۲۲۷**	-۰/۲۲۰**	-۰/۶۹۰**	-۰/۶۴۷**	-۰/۷۲۷**	۱	
(۱۱) خلوص/پاکی	۲۷/۸۷	۵/۰۹	-۰/۱۶۳*	-۰/۱۷۰*	-۰/۱۶۵*	-۰/۱۹۴*	-۰/۲۹۱**	-۰/۷۲۷**	-۰/۶۵۹**	-۰/۵۷۶**	-۰/۷۳۴**	-۰/۷۳۴**	۱

همانگونه که در جدول فوق مشاهده می شود بین توانمندی های شخصیتی با بنیان های اخلاقی رابطه معنی داری وجود دارد. به منظور بررسی اینکه کدام یک از مؤلفه های توانمندی شخصیتی نقش مهم و معناداری در تبیین بنیان های اخلاقی دارد از رگرسیون گام به گام استفاده شد که نتایج آن در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲: نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام بعد مراقبت/آسیب (بنیان اخلاقی) براساس فضیلت های شخصیتی

گام	متغیرها	B	β	F	R	R^2	خطای استاندارد برآورد
اول	تعالی فضیلت	.۰۶۱	.۲۵۶	۱۳.۹۷۰	.۲۵۶	.۰۶۶	۵.۱۵۲۷۰
دوم	تعالی فضیلت	.۱۴۸	.۶۱۸	۱۳.۹۹۸	.۳۵۲	.۱۲۴	۵.۰۰۲۰۰
	عدالت فضیلت	.۱۹۵	.۴۳۵				
سوم	تعالی فضیلت	.۱۰۶	.۴۴۳	۱۱.۰۱۱	.۳۷۹	.۱۴۴	۴.۹۵۷۹۲
	عدالت فضیلت	.۲۷۹	.۶۲۴				
	روی میانه فضیلت	.۱۰۷	.۳۷۶				

چنانچه از جدول مشاهده می شود در گام اول فضیلت تعالی وارد معادله رگرسیون شده است. این متغیر ۶ درصد از واریانس بعد مراقبت/آسیب بنیان اخلاقی را تبیین می کند. در گام دوم فضیلت عدالت وارد معادله شده است. با ورود این متغیر ضریب تعیین به ۱۲۴ درصد افزایش یافت. در گام آخر تمامی ۳ متغیر مستقل وارد شده، قابلیت تبیین متغیر ملاک را دارا بوده اند. این متغیرها عبارتند از: مؤلفه های فضیلت تعالی، فضیلت عدالت و فضیلت میانه روی که تماما معنادار بودند. به منظور بررسی اینکه کدام یک از توانمندی های شخصیتی نقش مهم و معنادارتری در تبیین بعد انصاف/عدالت متغیر بنیان اخلاقی دارد از رگرسیون گام به گام استفاده شد که نتایج آن در جدول ۳ آمده است.

جدول ۳: نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام بعد انصاف/عدالت (بنیان اخلاقی) براساس فضیلت های شخصیتی

گام	متغیرها	B	β	F	R	R^2	خطای استاندارد برآورد
۱	روی میانه فضیلت	.۰۴۵	.۱۶۶	۵.۶۶۶	.۱۶۶	.۰۲۸	۵.۰۳۳۳۸
۲	روی میانه فضیلت	.۱۰۶	.۳۸۷	۵.۵۱۴	.۲۳۰	.۰۵۳	۴.۹۸۰۵۸
	خرد فضیلت	.۰۶۴	.۲۷۲				

چنانچه از جدول مشاهده می شود در گام اول فضیلت میانه روی وارد معادله رگرسیون شده است. این متغیر ۳ درصد از واریانس بعد انصاف/عدالت بنیان اخلاقی را تبیین می کند. در گام دوم فضیلت خرد وارد معادله شده است. با ورود این متغیر ضریب تعیین به ۵۳ درصد افزایش یافت. به منظور بررسی اینکه کدام یک از فضیلت ها نقش مهم و معنادارتری در تبیین بعد وفاداری متغیر بنیان اخلاقی دارد از رگرسیون گام به گام استفاده شد که نتایج آن در جدول ۴ آمده است.

جدول ۴: نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام بعد وفاداری (بنیان اخلاقی) براساس فضیلت های شخصیتی

گام	متغیرها	B	β	F	R	R^2	خطای استاندارد برآورد
۱	تعالی فضیلت	.۰۳۶	.۰۱۷	۴.۴۱۴	.۱۴۷	.۰۲۲	۵.۳۱۹۱۷

چنانچه از جدول مشاهده می شود تنها فضیلت تعالی وارد معادله رگرسیون شده است. این متغیر ۲ درصد از واریانس بعد وفاداری بنیان اخلاقی را تبیین می کند. به منظور بررسی اینکه کدام یک از فضیلت ها نقش مهم و معنادارتری در تبیین بعد احترام به مرجعیت متغیر بنیان اخلاقی دارد از رگرسیون گام به گام استفاده شد که نتایج آن در جدول ۵ آمده است.

جدول ۵: نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام بعد احترام به مرجعیت (بنیان اخلاقی) براساس فضیلت های شخصیتی

گام	متغیرها	B	β	F	R	R ²	خطای استاندارد برآورد
۱	خرد فضیلت	.۳۶۱	.۲۴۹	۱۳.۱۴۷	.۲۴۹	.۰۶۲	۵.۱۳۹۴۱

چنانچه از جدول مشاهده می شود تنها فضیلت خرد وارد معادله رگرسیون شده است. این متغیر ۶ درصد از واریانس بعد احترام به مرجعیت بنیان اخلاقی را تبیین می کند. به منظور بررسی اینکه کدام یک از فضیلت ها نقش مهم و معنادارتری در تبیین بعد خلوص/پاکی متغیر بنیان اخلاقی دارد از رگرسیون گام به گام استفاده شد که نتایج آن در جدول ۶ آمده است.

جدول ۶: نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام بعد خلوص/پاکی (بنیان اخلاقی) براساس فضیلت های شخصیتی

گام	متغیرها	B	β	F	R	R ²	خطای استاندارد برآورد
۱	فضیلت تعالی	.۰۷۳	.۳۲۱	۲۲.۸۸۷	.۳۲۱	.۱۰۳	۴.۷۹۴۷۷
۲	فضیلت تعالی	.۲۱۲	.۹۳۰	۲۰.۲۸۸	.۴۱۲	.۱۷۰	۴.۶۲۴۰۲
	فضیلت شجاعت	.۲۱۰	.۶۶۲				

چنانچه از جدول مشاهده می شود در گام اول فضیلت تعالی وارد معادله رگرسیون شده است. این متغیر ۱۰ درصد از واریانس بعد خلوص/پاکی بنیان اخلاقی را تبیین می کند. در گام دوم فضیلت شجاعت وارد معادله شده است. با ورود این متغیر ضریب تعیین به ۱۷ درصد افزایش یافت.

بحث و نتیجه گیری

هدف از پژوهش حاضر پیش بینی بنیان های اخلاقی براساس توانمندی های شخصیتی بود. نتایج پژوهش حاضر نشان داد سه فضیلت تعالی، عدالت و میانه روی توانستند قضاوت اخلاقی را در بعد مراقبت/آسیب را پیش بینی نمایند. اما فضیلت تعالی بیشترین نقش و فضیلت میانه روی کمترین نقش را در پیش گویی این بعد از بنیان های اخلاقی داشتند. فضیلت ها ویژگی های اصلی هستند که از نظر فیلسوفان اخلاق با ارزش شمرده می شوند و نیرومندی ها صفات کمتر انتزاعی هستند که ممکن است برای رسیدن به فضیلت ها به کار روند. موضوع های توانمندساز عادت های خاصی هستند که افراد را هدایت می کنند تا خصیصه نیرومندی خاصی را در موقعیت های معین جلوه گر سازند که آن هم به نوبه خود به پیش برد فضیلت ها خدمت می کند.

یافته های نشان داد که فضیلت میانه روی و فضیلت خرد پیش گویی کننده های برای انصاف/عدالت هستند. فضیلت تعالی نقش مثبت و معنی دار با بعد وفاداری و فضیلت خرد نقش مثبت و معنی دار با بعد احترام به مرجعیت دارد. با توجه به یافته های پژوهش حاضر به طور کلی پیشنهاد می شود مباحث توانمندی شخصیتی و عوامل مؤثر بر رشد آن ها در جوانان توجه لازم صورت گیرد. همچنین زمینه باورمندی نسبت به قوانین جامعه به واسطه رشد صحیح قضاوت های اخلاقی در قشر جوانان و اجرای مبانی آموزشی در سیستم آموزشی براساس ارزش دهی به فضیلت ها فردی صورت گیرد. باید خاطر نشان شود همانطور که پیترسون و سلگیمن (۲۰۰۴) بیان می دارند، قدر شناسی، معنویت، امید و تحسین زیبایی های زندگی از توانمندی های مربوط به فضیلت تعالی است، نتیجه این پژوهش را نیز می توان این گونه تبیین کرد، که قدر شناسی که از ویژگی اصلی فضیلت تعالی است، نوعی سپاسگزاری است که فرد زمانی آن را تجربه خواهد کرد که کاری مشتاقانه یا سودمند برای دیگران انجام دهد (ایمونس و مک کالو^{۲۷}، ۲۰۰۳). افرادی که از توانمندی قدرشناسی برخوردار باشد همواره از کمک و

²⁷ Emmons & McCullough

تلاش های اطرافیان در حق او سپاسگزار است و این احساس را در اطرافیان خود ایجاد می کند که اعمال و تلاش های آنان نادیده گرفته نمی شود. قدرشناسی یک توانمندی انسانی است که موجب بهزیستی ارتباطی و فدری فرد می شود (ایمونز و کرامپلر^{۲۸}، ۲۰۰۰). بدین ترتیب توانمندی های حاصل از این فضیلت می تواند فرد را به موجود قبیله ای تبدیل کند که قادر به تشکیل ائتلاف باشد که زمینه ای را برای فضایی مانند وطن پرستی و از خودگذشتی در گروه موجب شود. فضیلت خرد که با توانمندی های خلاقیت، کنجکاوی، روشن فکری، علاقه به یادگیری و روشن بینی مرتبط است (پیترسون و سلیگمن، ۲۰۰۴). آزاد اندیشی یا روشن فکری توانمندی است که افراد را از تفکر یک جانبه درباره مسائل برحذر می دارد. می توان آزاد اندیشی در تضاد با انواع سوگیری ها در تفکر و شناخت انسان می باشد. از جمله این سوگیری ها، سوگیری تأیید، سوگیری پس نگر، سوگیری اعتماد شدید نامناسب، مواجهه انتخابی (در معرض قرار گرفتن انتخابی)، اثر تقدم و قطبی سازی می باشد (پیترسون و سلیگمن، ۲۰۰۴). آگاهی فرد از این سوگیری ها و اجتناب از آنها از طریق روشنفکری و آزاد اندیشی می تواند در رشد روند تکاملی نوع دوستی متقابل و تولید ایده هایی مثل عدالت، حقوق و استقلال در حالت کلی رعایت عدالت و انصاف مؤثر باشد. در این پژوهش همانگونه جنبش روان شناسی مثبت انتظار دارد، نشان داده شد که تمرکز بر ویژگی های مثبت بر خلاف کاستی های روان شناختی (مشکلات روان شناختی) می تواند بر تحول قضاوت های اخلاقی افراد نیز اثر مثبت داشته باشند. در مجموع مبحث فضیلت در تئوری توانمندی های شخصیتی سلیگمن می تواند تمرکز کلیدی مهم و تازه ای برای متخصصان روان شناس و حوزه تعلیم و تربیت باشد. محدودیت پژوهش حاضر این بود مبحث توانمندی های شخصیتی موضوعی تازه ای در رویکرد روان شناسی مثبت است که در این پژوهش صرفاً به بررسی رابطه توانمندی های شخصیتی و بنیان های اخلاقی افراد بزهکار پرداخته شد. لذا پیشنهاد می شود پژوهش های آتی بیشتری به خصوص به صورت طولی و مداخله ای در نمونه های مختلف انجام شود. با توجه به نتایج پژوهش حاضر به سازمان زندان و مراکز اصلاح و تربیت کشور پیشنهاد می شود به اهمیت توانمندی های شخصیتی و ارائه الگوهای مناسب برای ارتقای فرایند اصلاح و تربیت بزهکاران و در راستای تصحیح سیستم اخلاقی و کمک به رشد آن توجه لازم صورت گیرد. همچنین، به منظور افزایش باورهای اخلاقی بنیادین نوجوانان و جوانان بزهکار و دارای جرائم اجتماعی مختلف کارگاه های آموزشی در ارتباط با توانمندی های شخصیتی برگزار کنند. همچنین سایر عوامل مرتبط با تحول اخلاق بنیادین در نوجوانان و جوانان بزهکار نیز در پژوهش های آتی مورد بررسی قرار گیرد.

منابع

- حیدری، فرشاد و مصطفی باقری، ۱۳۹۳، نقش اخلاق و سبک زندگی در بزهکاری، همایش ملی سبک زندگی اسلامی و جایگاه آن در عصر جهانی شدن، سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج، http://www.civilica.com/Paper-IAUSDJ01-IAUSDJ01_001.html
- طوبی (۱۳۸۶). بررسی عوامل مؤثر در بزهکاری نوجوانان و جوانان. شماره ۲۵.
- ویلیامز، ماتئو (۱۳۹۱)، بزهکار مجازی: بزه، انحراف، مقررات گذاری برخط، ترجمه جلالی فراهانی، امیرحسین و منفرد، محبوبه، چاپ یکم، تهران: نشر میزان.
- منفرد، محبوبه؛ جلالی فراهانی، امیر حسین (۱۳۹۱). کدهای رفتاری و پیشگیری از بزهکاری. پژوهشنامه حقوق کیفری. سال سوم، شماره دوم، ص ۱۳۴-۱۰۵.
- هایدت و گراهام (۲۰۰۷). پرسشنامه بنیان های اخلاقی. ترجمه و هنجاریابی مقدماتی: سیدجواد سیفی و همکاران، ۱۳۹۱.
- پیترسون و سلیگمن (۲۰۰۴). پرسشنامه ارزش های فعال در عمل (VIA-IS). ترجمه و آماده سازی: زهره قربانی. ۱۳۹۱.
- Park, Nansook & Peterson, Christopher (2006). Moral competence and character strengths among adolescents: The development and validation of the Values in Action Inventory of

- Strengths for Youth. *Journal of Adolescence* Volume 29, Issue 6, December 2006, Pages 891–909
- Haidt, J. (2003). Elevation and the positive psychology of morality. In C. L. M. Keyes & J. Haidt (Eds.) *Flourishing: Positive psychology and the life well-lived*. Washington DC: American Psychological Association. (pp. 275-289).
- Snyder, Patricia (2012). *Super Women Lawyers: A Study of Character Strengths*. Master of Applied Positive Psychology (MAPP) Capstone Projects. This thesis or dissertation is available at ScholarlyCommons: http://repository.upenn.edu/mapp_capstone/38.
- Carr, A. (2004). Positive psychology: New worlds for old. *Irish Psychologist*, 30 (11), 278-279.
- Graham, J., Nosek, B. A., Hadit, J., Lyer, R., Koleva, S., & Ditto, P. H. (2011). Mapping the moral domain. *Journal of personality and social Psychology*. 101, 255-385.
- Hadit, J. & Graham, J. (2007). When morality opposes Justice: Conservatives have moral intuitions that liberals may not recognize *Social Justice Research*. 20. 98-116.
- Hadit, J., & Joseph, C. (2007). The moral mind: how 5 sets of innate intuitions guide the development of many culture-specific virtues, and perhaps.
- Emmons, R.A., & McCullough, M.E. (2003). Counting blessings versus burdens: An experimental investigation of gratitude and subjective well-being in daily life. *Journal of Personality and Social Psychology*, 84, 377-389.
- Emmons, Robert A. and Crumpler, Cheryl A. (2000). Gratitude as a Human Strength: Appraising the Evidence. *Journal of Social and Clinical Psychology*: Vol. 19, No. 1, pp. 56-69.